



بیانات رهبر انقلاب در دیدار مردم قم





بیانات رهبرانقلاب در دیدار مردم قم



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا
ابي القاسم المصطفى محمد وعلى آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين
سيما بقيّة الله في الارضين.

خوشامد عرض میکنم به همه‌ی برادران و خواهران عزیزی که از قم
تشریف آورده‌اید و این فضای حسینیّه‌ی ما را با نفس گرم خودتان، با
دل نورانی خودتان، با یاد شهیدان عزیز خودتان، منور و معطر کرده‌اید.
علاوه‌ی بر مناسبت نوزدهم دی - که مناسبت مهمّی است و درباره‌اش
عرض خواهم کرد - نفس دیدار با مردم مؤمن، شجاع، فعال قم برای ما
ارزشمند است. از خدای متعال می‌خواهیم که این مردم عزیز را همیشه در
سایه‌ی تفضّلات خود و الطاف خود محفوظ و موفق بدارد.

❖ علل بزرگداشت حادثه نوزدهم دی قم: برجستگی حرکت، درسها و عبرتهای آن

بزرگداشت حادثه‌ی نوزدهم دی ۵۶ از دو نظر لازم و ضروری است:
اولاً از این نظر که روز نوزدهم دی سال ۵۶ یکی از قلّه‌های تاریخ کشور
ما است؛ یعنی هر کسی در آینده به تاریخ کشور نگاه کند، یکی از
برجسته‌ترین نقاط این تاریخ، همین روزی است که شما به مناسبت آن در
اینجا اجتماع کرده‌اید؛ چون این روز بود که یک حرکت عظیمی را در کشور
به راه انداخت و این حرکت عظیم به یک انقلاب عظیمی منتهی شد که
دنیا را تکان داد، نقشه‌ی سیاسی دنیا را تغییر داد؛ [لذا] قلّه است. جهت
دوم برای لزوم پاسداشت نوزدهم دی این است که ما باید از نوزدهم دی
درس بگیریم. این حوادث، این ایّام الله، برای درس گرفتن هستند؛ هم
درس بگیریم، هم عبرت بگیریم. لذا است که این اجتماع هر ساله‌ی شما
- چه اینجا، چه در خود قم - یک حرکت لازم و معتبر و ان شاء الله اثربخشی

است. من در این بخش دوّم، یعنی درسها و عبرت‌های مربوط به حادثه‌ی نوزدهم دی، چند مورد را یادداشت کرده‌ام که به شما عرض کنم.

❖ درس حادثه نوزدهم دی قم؛ توجه به ویژگی‌های ایرانِ مطلوب آمریکا

یک مورد این است که رژیم آمریکا و استکبار جهانی چگونه ایرانی را می‌پسندیدند. امروز هم که شما می‌بینید هر کسی از یک گوشه‌ای - داخل، خارج - یک حرفی می‌زند، بدانیم آمریکا ایران را چه جور می‌پسندد و چه جور آرزو میکند، چه جور می‌خواهد؛ این را در این مسائل مربوط به قضیه‌ی قم می‌شود فهمید.

چند روز پیش از نوزدهم دی،^(۱) کارتر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، تهران بود؛ در یک جلسه‌ی رسمی بنا کرد از محمّد رضا تعریف‌های مبالغه‌آمیز کردن و گفت ایران، امروز، به برکت این آقا جزیره‌ی ثبات است؛ یعنی ایران سال ۵۶ در چشم رئیس‌جمهور آمریکا یک ایران مطلوب به حساب می‌آمد. ایران سال ۵۶ چه جوری بود؟ من حالا سه چهار مورد از شاخص‌ها را عرض می‌کنم.

❖ ایرانِ مطلوب آمریکا؛ مطیع محض و تأمین‌کننده منافع آمریکادر سیاست خارجی

از لحاظ سیاست خارجی، مطیع محض آمریکا بود. آن روز بیش از پنجاه هزار مستشار نظامی آمریکا در ایران حضور داشتند در ارتش و بیرون ارتش و دستگاه‌های اطلاعاتی و دیگر دستگاه‌ها که با پول ایران، از خزانه‌ی ایران حقوق می‌گرفتند و آن طوری که تحقیق کردند، پولی که این مستشارها می‌گرفتند از مجموع بودجه‌ی آموزش و پرورش آن روز بیشتر بود؛ این یک نمونه است. کار سیاست خارجی رژیم مطلوب آمریکا این بود که مطیع محض باشد و منافع آمریکا را و منافع رژیم صهیونیستی را تأمین کند. حالا خدا خواست، انقلاب شد و الا اگر حادثه‌ی انقلاب پیش نمی‌آمد، تا چند سال بعد از آن، همه‌ی دشتهای حاصلخیز کشور مثل



دشت قزوین - که در اختیار صهیونیست ها قرار گرفت - در اختیار آنها قرار میگرفت. این دشت قزوین داده شد به صهیونیست ها. کار سیاست خارجی این بود. این سیاست خارجی.

❖ سیاست داخلی ایرانِ مطلوب آمریکا؛ سرکوب مطلق مجموعه های سیاسی

سیاست داخلی؛ سیاست داخلی رژیم عبارت بود از سرکوب مطلق هر حرکتی در داخل کشور؛ دیکتاتوری شدید. همه ی مجموعه هایی که داعیه ی مبارزه ی با نظام آن روز - رژیم سلطنتی - را داشتند، با فشار و سرکوب رژیم منزوی شده بودند؛ از جبهه ی ملی بگیرید - که جبهه ی ملی یک مجموعه ی سیاسی ای بودند، سیاسی کار بودند - تا نهضت آزادی؛ یک سر قضیه اینجا، تا چریک های فدائی خلق که کمونیست بودند و مسلح بودند و در جنگ لها بودند، همه سرکوب شده بودند. من به شما عرض بکنم که جز حرکت تابع امام بزرگوار - حرکت دینی و نهضت دینی که فعال بود در سرتاسر کشور، از [سال] ۵۳ و ۵۴ به بعد تا [سال] ۵۶ و تا پیروزی انقلاب - هیچ سازمانی، هیچ تشکیلاتی در سطح کشور وجود نداشت که بتواند حرفی بزند، اعتراضی بکند؛ همه را سرکوب کرده بودند. این سیاست داخلی رژیم بود.

❖ اقتصاد ایرانِ مطلوب آمریکا؛ پایین بودن سطح زندگی مردم

اقتصاد کشور؛ آن روز جمعیت کشور حدود ۳۵ میلیون [نفر] بود. روزی نزدیک به شش میلیون بشکه نفت می فروختند - توجه دارید مبالغ را! - ما امروز وقتی که یک میلیون و پانصد هزار بشکه نفت می فروشیم، دولتهایمان افتخار میکنند. آن روز نزدیک به شش میلیون بشکه نفت می فروختند، صادر میکردند، پولش می آمد داخل کشور و میرفت در جیب یک طبقه ی خاص؛ شکاف طبقاتی در کشور به شکل هولناکی خودش را نشان میداد. این ضریب جینی که اهل اقتصاد میدانند که شاخص شکاف



طبقاتی است، در دوران آنها ۵۱ درصد بود، یعنی بالاترین رقم! این شکاف طبقاتی بین مردم. طبقات فقیر رها شده [بودند]؛ پول کشور صرف کشور نمیشد، صرف مردم نمیشد، صرف آبادانی نمیشد، صرف راه‌های درست نمیشد؛ سطح زندگی مردم پایین [بود]. این هم از اقتصاد.

❖ ایرانِ مطلوب آمریکا؛ عقب‌افتاده‌ترین در علم و فناوری و گسترش فساد اخلاقی

[از لحاظ] علم و فناوری؛ کشور از عقب‌افتاده‌ترین کشورهای دنیا در علم و در فناوری بود؛ در ردیف‌های آخر، [بین] کشورهای عقب‌افتاده [بود]. علم و فناوری ما این بود.

از لحاظ فرهنگی؛ گسترش فساد و ابتذال، دوری روزافزون از ارزش‌های اخلاقی و دینی و مذهبی، ترویج فرهنگ غربی، ترویج بی‌حیائی به طور روزافزون در کشور، حتی بیش از کشورهای اروپایی، که آن روز قضاوت کسانی از خود هایشان در مطبوعات ما همین بود که اینجا وضع زنهای کشور در پوشش و لباس و حجاب و حیا و مانند اینها از کشورهای اروپایی بدتر است! این هم وضع فرهنگی.

❖ به گور بردنِ آرزوی ایرانِ مطلوب آمریکا از سوی دشمنان

خب، ایران این بود؛ آن وضع سیاستش، آن داخلی‌اش، آن خارجی‌اش، آن اقتصادش، آن علمش، آن فرهنگش، این [ایران] را رئیس‌جمهور آمریکامی پسندید و تعریف میکرد و تمجید میکرد و محمدرضا را به خاطر ایجاد یک چنین ایرانی بالا میبرد که حتی خود هایشان هم میگفتند - دُور و بَری هایش - که نطق او مبالغه‌آمیز بود، اما این مبالغه را کرد. اینها برای ایران این [وضع] را دوست داشتند، این را آرزو میکردند؛ امروز هم برای کشور این را آرزو میکنند؛ کارتر این آرزو را به گور برد، اینها هم این آرزو را به گور خواهند برد.



❖ درس حادثه نوزدهم دی قم؛ خطای محاسباتی آمریکان نسبت به ایران

درس دوّم از حادثه‌ی نوزدهم دی: خطای محاسباتی دستگاه آمریکا. این کسانی که به ظواهر آمریکا دل میبندند و عظمت معنوی ملت خودشان را زیاد میبرند، خدا را زیاد میبرند و آمریکا در نظرشان جلوه میکند، توجّه کنند: «خطای محاسباتی آمریکا». روز دهم دی سال ۱۳۵۶، کارتر آمد اینجا، نطق کرد و تمجید کرد و سفارش کرد و گفت اینجا «جزیره‌ی ثبات» است و مانند اینها، روز نوزدهم دی، یعنی نه روز بعد از آن، حادثه‌ی قم اتفاق افتاد؛ خطای محاسباتی [داشتند]. این جور میفهمیدند و این جور غلط محاسبه میکردند. مردم قم هم به نیابت از ملت ایران قیام کردند؛ مردم قم با انگیزه‌ای آمدند و ارد میدان شدند که آن انگیزه، در سرتاسر کشور وجود داشت؛ بعد نشان داده شد و همه دیدند. آن روز قمی‌ها بودند که توانستند پیشرو این حرکت بشوند و نشان بدهند.

انقلاب اسلامی از دل مهم‌ترین سنگر استکبار بیرون آمد؛ این خطای محاسباتی آمریکا است؛ آنها فکر نمی‌کردند: وَظَنُوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا.^(۲) مثل حضرت موسی؛ حرکت موسوی در دل خانه‌ی فرعون و کاخ فرعون آغاز شد که به نابودی کاخ فرعون و فرعونیان انجامید. اینجا ایرانِ دوران پهلوی، قلعه‌ی مستحکمِ منافع آمریکایی بود؛ از دل این قلعه بود که انقلاب بیرون آمد و جوشید؛ و آمریکایی‌ها نفهمیدند و آمریکایی‌ها فریب خوردند و آمریکایی‌ها خواب ماندند و آمریکایی‌ها غافل شدند؛ خطای محاسباتی آمریکا یعنی این. بعد از آن هم تا امروز، در طول این چند دهه، آمریکایی‌ها غالباً در مورد مسائل ایران دچار خطا شدند، اشتباه کردند. مخاطب این حرف من، بیشتر، آن کسانی هستند که مرعوب سیاستهای آمریکایند: مرعوب نباشند.



❖ تحریم؛ نمونه‌ای از خطای محاسباتی آمریکا

آمریکایی‌ها در این چهل و چند سال، در اغلب سیاست‌هایی که علیه جمهوری اسلامی به کار بردند اشتباه کردند. مثلاً تحریم کردند؛ برای چه تحریم کردند؟ تحریم کردند که اقتصاد ایران را به زانو دریاورند دیگر؛ ما بیشترین پیشرفت علم و فناوری را در همین دوران تحریم کردیم؛ بیشترین نفوذ منطقه‌ای را در همین دوران انجام دادیم؛ ما بیشترین جوان آماده به کار در زمینه‌های گوناگون را، در همین دوران تحریم در مقابل خودمان مشاهده کردیم. محاسبه‌ی آمریکا غلط از آب درآمد؛ خواست ایران را فلج کند، ایران فلج [نشد]. بله؛ البتّه تحریم ضررهایی به کشور زد؛ این جور نبود که ضرر نزنند، ضرر زد؛ ان شاء الله ملت ایران به حساب این ضررها هم یک روزی خواهد رسید.

خلاصه‌ی حرف من در این درسِ دوّم حرکتِ قمی‌ها این است که آن دیوار بتونی استکبار غرب از جایی ترک خورد که بیشترین امید را به آنجا داشت؛ از ایران. [انقلاب اسلامی] حقیقتاً حصار غرب را متزلزل کرد؛ این دیوار بتونی‌ای که با تبلیغات و با پول و بارشوه و با انواع و اقسام جنایات درست کرده بودند. و هنوز هم البتّه وجود دارد؛ و این دیوار باید خراب بشود. اوّلین ترک را انقلاب اسلامی در آن به وجود آورد. این، درسِ دوّم ما برای قم شما.

❖ لزوم مصونیت بخشی افکار عمومی در قبال تبلیغات دشمن

درسِ سوّم این است که ما وقتی به قضایای قم نگاه میکنیم، میفهمیم که باید خودمان را، افکارمان را، افکار عمومی را در قبال تبلیغات دشمن مصونیت ببخشیم. این جزو درس‌های نوزدهم دی است. همچنان که آن روز ذهن قمی‌ها مصونیت پیدا کرده بود. چرا؟ مقاله منتشر کردند، امام را متّهم کردند، بدگویی کردند؛ هدفشان چه بود؟ اینها که بر همه چیز مسلّط بودند؛ هزاران نفر از طرفداران امام زیر شکنجه



بودند، در زندانها بودند، در تبعیدها بودند؛ دیگر مقاله چرا؟ آنها به یک حقیقتی دست پیدا کرده بودند که امروز هم وجود دارد؛ آنها فهمیده بودند که غلبه‌ی بریک ملت فقط با ابزارهای سخت افزاری ممکن نیست، ابزارهای نرم افزاری هم لازم است. آنها چیست؟ تبلیغ کردن، توجیه کردن، تبیین کردن. اینکه بنده این همه روی «تبیین» تکیه میکنم [به همین خاطر است]. میخواستند دل مردم را نسبت به امام بزرگوار سرد کنند. چند هزار نفر از طرفداران امام اینجا در زندان و در تبعید و زیر فشار و کتک و همه چیز، اما این کافی نبود؛ باید کاری میکردند که آن ذوالفقاری را که از کنار قبر امیرالمؤمنین، این دلها را برمی آشت و این حرکت عظیم را به وجود می آورد، از بین ببرند؛ [یعنی] زبان مبارک امام بزرگوار مان. اینجا سختگیری میکردند، یک پیام یا یک اطلاعیّه از امام می آمد، دلهای افسرده دوباره امیدوار میشد، خستگی آدمهای خسته برطرف میشد، میدان مبارزه گرم تر میشد. قیام قمی ها این نقشه را باطل کرد.

❖ شکست توهم اقتدار دشمن، وظیفه دستگاه های تبلیغاتی

اگر شما قمی ها روز نوزدهم دی آن حرکت را انجام نمیدادید، این مقاله نویسی و اهانت کردن ادامه پیدا میکرد؛ اوّل به یک صورت، بعد به شکلهای پیچیده تر؛ از شخص امام بزرگوار به روحانیت، از روحانیت به اصل دین سرایت میکرد و پیش میرفت. قمی ها جلوی این حرکت را گرفتند، نگذاشتند این اتفاق بیفتد. امروز هم همین جور است. امروز هم آمریکایی ها خوب فهمیده اند که با ابزارهای سخت افزاری نمیشود کارها را پیش برد. ببینید در غزه این همه آدم کشتند، تانک آمد، توپ آمد، بمب آمد، مسلسل آمد، ریزپرنده آمد، عناصری را به شهادت رساندند اما نهضت را نتوانستند از بین ببرند. در لبنان، از حزب الله کسی مثل سیّد حسن نصرالله را به شهادت رساندند، عناصر زیادی را از بین بردند. اینها کارهای سخت افزاری است. اما نتوانستند حزب الله را از بین ببرند و



نمی‌توانند و نخواهند توانست؛ لذا باید کار نرم‌افزاری کنند، باید تبلیغات کنند. این، برای من و شما مردم ایران، امروز یک شاخص مهم است. کار نرم‌افزاری عبارت است از: دروغ، دروغ‌پردازی، فاصله انداختن بین واقعیت با فکر و تصوّر افکار عمومی. شما رو به قوّت می‌روید، او تبلیغ میکند که شما دارید ضعیف می‌شوید؛ خودش دارد ضعیف می‌شود، تبلیغ میکند که دارد قوی می‌شود؛ شما تهدیدناپذیر می‌شوید، او می‌گوید من با تهدید شما را از بین می‌برم. تبلیغات این است. یک عده‌ای هم تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

امروز کار اساسی، کار مهم برای دستگاه‌های تبلیغاتی ما، برای دستگاه‌های فرهنگی ما، تبلیغات ما، وزارت ارشاد ما، صداوسیما، ما، فعالان فضای مجازی ما، این است که پرده‌ی توهم اقتدار دشمن را پاره کنند، بشکنند، نگذارند تبلیغات دشمن بر روی افکار عمومی اثر کند. این کاری است که آن روز قمی‌ها کردند؛ آن روز این ابزار را از دست دشمن گرفتند، شکستند؛ کاری کردند که او دیگر نتواند اصلاً ادامه بدهد. این درس سوّم.

❖ تغییر پیدا نکردن ذات استکبار از حادثه نوزدهم دی تا کنون

خب حالا در این زمینه‌ی استفاده‌ی از درس‌های نوزدهم دی، یک چیز دیگر هم دنباله‌ی همین مسئله عرض بکنم و آن، این است که ذات استکبار تغییر پیدا نکرده. کسی خیال نکند که آمریکای امروز با آمریکای آن روز فرق دارد، رژیم صهیونیستی امروز با رژیم صهیونی آن روز فرق دارد؛ نه، همان [جور] هستند؛ روش‌ها تفاوت کرده، ابزارها تفاوت پیدا کرده. آن روز با مقاله این کار را می‌کردند، امروز وسایل و ابزارهایشان هزار برابر متنوع‌تر و گسترده‌تر و توان‌تر شده؛ ما [هم] باید هزار برابر از آن روز هوشیارتر باشیم؛ باید توجه کنیم، دقّت کنیم؛ باید امنیت‌سازی کنیم، مصونیت‌سازی کنیم، حرف دشمن را باور نکنیم. کلید قضیه این است:



حرف دشمن را باور نکنیم. اگر دیدید در تبلیغات دشمنان حرفی وجود دارد که احساس میشود برای تحت تأثیر قرار دادن شما است، [آن] حرف را رد کنید؛ بدانید دروغ میگوید، بدانید دروغ میگوید! اگر نشانه‌های فریب را در یک سخنی دیدید، بی‌درنگ آن را کنار بگذارید. عید نوروز میشود، رئیس‌جمهور آمریکا به مردم ایران تبریک میگوید! این تبریک راست است؟ خب معلوم است این یک فریب و یک دروغ‌گویی بزرگ [است]؛ اینها حاضرند میلیون‌ها [نفر] از مردم ایران را از بین ببرند. شما ملاحظه کنید درباره‌ی غزه از آن طرف پول میدهند، سلاح میدهند به دشمن، از آن طرف [دیگر] هم گاهی اظهار میکنند که نه، مثلاً خوب است که این کارها انجام نگیرد. سخن دشمن را نباید باور کرد. خب، حالا این راجع به درسهای نوزدهم دی.

❖ از دست دادن امکان عظیم سیاسی و اقتصادی؛ علت کینه آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی

دو سه مطلب دیگر هم عرض میکنیم. یک مطلب این است که ببینید برادران عزیز، خواهران عزیز! ایران - کشور شما - یک قلّه‌ی راهبردی است در دنیا، هم از لحاظ امکانات طبیعی، هم از لحاظ امکانات انسانی، هم از لحاظ موقعیت جغرافیایی و جغرافیای سیاسی؛ یک کشور برخورداری است از این جهات؛ این خدایی است، کار خدا است. مردمش، نیروی انسانی‌اش از متوسط دنیا جلوترند؛ امکانات طبیعی‌اش از متوسط دنیا بیشتر است؛ موقعیت جغرافیایی‌اش از بسیاری از کشورهای دنیا حسّاس‌تر است؛ از لحاظ جغرافیای سیاسی هم همین‌جور، وسط دنیای اسلام قرار گرفته؛ قلب دنیای اسلام است. خب این کشور، این منبع عظیم راهبردی، از اواسط دهه‌ی ۱۳۲۰ شمسی یعنی از حدود هشتاد سال پیش، این منبع ثروت که ایران شما باشد، ده‌ها سال در مشّت آمریکا بود، متعلّق به آمریکا بود، [در] دست آمریکا بود؛

انقلاب شما آمد این را از دست آمریکا بیرون کشید؛ تلخ کامی آمریکا از این قضیه فراموش شدنی نیست. بعضی‌ها می‌گویند: شما که نسبت به آمریکا، نه حاضرید مذاکره کنید، نه حاضرید ارتباط برقرار کنید، [پس] چرا با کشورهای اروپایی ارتباط دارید؟ خب آنها هم مثل آمریکايند، چه فرقی میکند؟ خب همان طور که آنها سفارت دارند، این هم داشته باشد. نه، فرق هست [بین اینها]. فرقش این است که آمریکا اینجا تملک کرده بود، از کف او و قبضه‌ی او بیرون کشیده شد؛ کینه‌ی او نسبت به کشور و انقلاب، کینه‌ی شتری است و به این آسانی‌ها دست بردار نیست. این فرق میکند با فلان کشور اروپایی. بله، آن کشور اروپایی هم دوست عزیز کرده‌ی ملت ایران نیست؛ این را ما میدانیم، بلدیم، اما این با آن خیلی فرق دارد. با انقلاب اسلامی، آمریکا یک ثروت عظیم، یک امکان عظیم سیاسی و اقتصادی را از دست داده، بعد هم در این چهل و چند سال چقدر خرج کرده برای اینکه بتواند مجدداً ایران را از چنگ انقلاب اسلامی بیرون بیاورد و در اختیار خودش قرار بگیرد و نتوانسته. کینه‌ی او با جمهوری اسلامی با کینه‌ی فلان کشور دیگر فرق دارد؛ خیلی فرق دارد. علت اینکه ما بین آمریکا و دیگر کشورهای غربی تفاوت قائل میشویم، این است: آمریکا در ایران شکست خورده و در صدد است که این شکست را جبران کند، لذا هر جور بتواند دشمنی میکند. این نکته‌ی اول.

❖ **ملاحظه خواست آمریکا در تصمیم مسئولان؛ تهدیدی برای مردم سالاری**

نکته‌ی دوم؛ یکی از خواسته‌های استکبار به طور کلی — از جمله در رأس استکبار، دولت آمریکا — از مسئولان همه‌ی کشورها، از جمله از مسئولان جمهوری اسلامی این است که وقتی راجع به مسائل گوناگون کشور فکر میکنند، طراح می‌کنند، نقشه‌کشی میکنند، یک نگاهی هم به منافع آمریکا داشته باشند، ملاحظه‌ی آمریکا را هم بکنند؛ این درخواست آنها است. ما که خب مستقیم ارتباطی نداریم [اما] از طرق



مختلف این را به مسئولان ما تفهیم میکنند. در این سالهای متمادی ما نمونه‌های متعدّدش را دیدیم که بیايند واسطه بشوند در فلان قضیه‌ی اقتصادی، فلان قضیه‌ی فرهنگی، فلان مسئله‌ی سیاست خارجی، که شما که میخواهید این کار را بکنید، این را تغییر بدهید، به این نحوه عمل کنید که آمریکا هم یک سودی ببرد؛ این یکی از خواسته‌های آمریکا است! من عرض میکنم این تهدید مردم سالاری است؛ اگر مسئولان کشور ما در هر دوره‌ای به این توقّع بیجای آمریکایی‌ها گوش فرابدهند، مردم سالاری کشور و جمهوریت کشور را تهدید کرده‌اند. چرا؟ برای خاطر اینکه مردم به ما رأی دادند، ما را سرکار آوردند، برای اینکه برای منافع آنها کار بکنیم؛ نه اینکه منافع آمریکا را مورد نظر قرار بدهیم.

❖ **وظیفه مسئولان؛ ملاحظه منافع کشور و مردم در تصمیم‌ها**

آن کسانی که در مسائل فرهنگی، در مسائل اقتصادی، در مسئله‌ی توژم، در مسئله‌ی تولید، در مسئله‌ی ارز، در مسائل فرهنگی، در مسئله‌ی حجاب و غیره تصمیم میگیرند، توّجه داشته باشند که ملاحظه‌ی خواسته‌ی آمریکا، مواضع آمریکا و مواضع صهیونیست‌ها را نکنند، ملاحظه‌ی منافع کشور را بکنند، ملاحظه‌ی منافع جمهوری اسلامی را بکنند. خوشبختانه، مواضع صریح و شجاعانه‌ی رئیس‌جمهور محترممان در مورد رژیم صهیونیستی دل مردم را شاد کرد، مردم خوشحال شدند. ایشان، صریح و قاطع، هم در مورد رژیم صهیونیستی، هم در مورد تحرّکات آمریکا و پشتیبانی‌های آمریکا موضع قاطع گرفت؛ این خیلی خوب بود. باید مراقبت بکنند؛ مسئولین کشور، در این زمینه بایستی مراقب باشند و تسلیم خواسته‌ی کسانی نشوند که از بُن دندان با ملت ایران و با جمهوری اسلامی دشمنند و ایران را ویران میخواهند و آرزو میکنند.



❖ زنده کردن امید در دلها؛ بزرگ‌ترین وظیفه افراد دارای مخاطب در زمینه‌های تبلیغاتی

مسئله‌ی بعد، مسئله‌ی «امید» است؛ امید. ما بایستی به هدایت الهی امیدوار باشیم، به کمک الهی امیدوار باشیم، به نیرویی که خدا به ملت‌ها داده امیدوار باشیم. درست نقطه‌ی مقابل آن کاری که دشمن می‌خواهد بکند که امید را از دل جوانهای ما خارج کند، آنها را مأیوس کند، همه‌ی کسانی که در زمینه‌های تبلیغاتی مخاطبی دارند، میتوانند حرف بزنند، زبان گویایی دارند، یکی از بزرگ‌ترین و اوّلی‌ترین اهدافشان بایستی این باشد که امید را در دلها زنده کنند و حرف ناامیدکننده بر زبان جاری نکنند. این کاری بود که امام بزرگوار خیلی به آن توجه داشت. شما ملاحظه کنید در همین قضیه‌ی نوزدهم دی، روز نوزدهم دی این حادثه اتفاق افتاد، مردم قم قیام کردند و قیام قم سرکوب شد؛ مردم رازخمی کردند، شهید کردند، خیابانها را خونین کردند؛ این مال نوزدهم دی است. پیام امام بزرگوار، در دوّم بهمن - یعنی دوازده روز بعدش - از نجف آمد؛ در پیام امام این عبارت هست که من یادداشت کرده‌ام: «من به ملت ایران با این بیداری و هوشیاری و با این روحیه‌ی قوی و شجاعت بی‌مانند، نوید پیروزی میدهم.»^(۳) مردم در خیابانهای قم سرکوب شدند؛ چه کسی گمان پیروزی میبرد؟ امام میگوید من به شما نوید پیروزی میدهم! امام بشارت میدهد که شما با این کارتان، با این حرکتتان، ایران را زیر و رو کردید، سیاست جهانی را تغییر دادید. این، نوید پیروزی امام است.

چه کسی آن وقت باور میکرد که این حرکت به جایی برسد که یک قدرت بزرگِ خط‌شکنی مثل جمهوری اسلامی در این منطقه سرپا بیاید که برای همه‌ی اهداف خباثت‌آلود غرب تا آنجایی که میتواند اختلال ایجاد کند و مانع بشود، جلوی خیلی از تجاوزها را بگیرد، جلوی خیلی از سیاستها را بگیرد؛ چه کسی باور میکرد؟ آن روز چه کسی باور میکرد که



روزی فرابرسد که پرچم آمریکا در کشورهای غربی آتش زده بشود، حتی در خود واشنگتن آتش زده بشود؟ چه کسی خیال میکرد؟ آن روز امام گفت من به شماها نوید پیروزی میدهم. این معنایش همین است که ما بایستی هرگز نگذاریم چراغ امید خاموش بشود.

❖ لزوم عمل به لوازم پیشرفت در کنار امیدواری

امروز در همین مسئله‌ی اقتصادی هم - که حالا ما مشکلات اقتصادی داریم - آن کسانی که واردند، مطلعند، کارشناسند، اینها افق را امیدوار می‌بینند. وقتی مثلاً فرض کنید در سیاستها گفته میشود، [رسیدن به] رشد هشت درصدی اقتصاد کشور، یک عده‌ای حرفهایی میزنند که معنایش این است که این ممکن نیست. در نمایشگاه فعالان اقتصادی که رئیس جمهور رفت آنجا، فعالان اقتصادی گفتند و ثابت کردند و رئیس جمهور حرف آنها را تکرار کرد، گفتند ما رشد هشت درصدی را میتوانیم تأمین کنیم، بدون احتیاج به خارج. بنابراین ما در همه‌ی زمینه‌ها باید امیدوار باشیم، منتها امیدواری بدون تلاش معنی ندارد. امیدوار باشیم و تلاش کنیم؛ امیدوار باشیم و به لوازم پیشرفت عمل کنیم؛ امیدوار باشیم و بدانیم چه میخواهیم و دنبال چه هستیم و چگونه باید به دنبال آن حرکت بکنیم. این امیدواری [است].

❖ حمایت جمهوری اسلامی از مقاومت در مقابل رژیم صهیونی

مطلب آخری که میخواهم عرض کنم این است که حوادث گوناگون - چه حوادث ما، چه حوادث منطقه مثل حوادث سوریه - نباید مسئله‌ی فلسطین را در یادها کم رنگ کند. مایه‌ی اصلی مقاومت، مقاومت در مقابل حرکت خباثت آلود رژیم صهیونی است. مقاومت این است. مقاومت زنده است و باید زنده بماند و باید روز به روز قوی تر بشود و ما از مقاومت حمایت میکنیم؛ از مقاومت در غزه، از مقاومت در کرانه‌ی باختری، از مقاومت در لبنان، از مقاومت در یمن. ما از هر نقطه‌ای که در



مقابل حرکت خباثت آلود رژیم صهیونیستی ایستادگی کنند و مقاومت کنند، حمایت میکنیم.

والسّلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

۱- سفر جیمی کارتر به ایران در دهم دی ۱۳۵۶

۲- سوره ی حشر، بخشی از آیه ی ۲؛ «...و خودشان گمان داشتند که دژهایشان در برابر خدا مانع آنها خواهد بود، و [لی] خدا از آنجایی که تصوّر نمی کردند بر آنان درآمد...»

۳- صحیفه ی امام، ج ۳، ص ۳۱۶؛ پیام به ملت ایران به مناسبت قیام نوزدهم دی مردم قم و نوید پیروزی (۱۳۵۶/۱۱/۲)



بیانات رهبرانقلاب در دیدار مردم قم | ۱۴۰۳/۱۰/۱۹



گزارش تصویری



صوت



فیلم کامل



متن بیانات